

## جمع‌آوری و اخراج کودکان کار افغانستان!

موج جدید بازگشت اجباری افغان هااز کشورهای همسایه ، به‌ویژه پاکستان و ایران ازسوی سازمان جهانی بهداشت درحالی نگران کننده توصیف شده که معاون سازمان بهزیستی استان تهران می گوید۸۵ درصد کودکان کار ازاتباع خارجی (افغانستانی) هستندو در طرح جدید ساماندهی آن ها، خانواده هایشان شناسایی می شوند.
علیرضامحمدی ،معاون سلامتاجتماعی سازمان بهزیستی استان تهران ،دیگرازآن شیوه‌هااستفاده نمی کنیم .معاون سلامتاجتماعی سازمان بهزیستی استان تهران این طرح را«خانواده‌محور» خواندو گفت: مددکاران اجتماعی به دنبال شناسایی خانواده کودک هستندودرسورتی که خانواده شناسایی شود، کودک به خانواده تحویل داده می شود، همچنین ازوالدین تعهد گرفته می شود که کودک دیگر در موقعیت کار یاخیابان قرار نگیرد.
به گفته علیرضامحمدی ۸۵ درصد این کودکان اتباع خارجی هستند. «اتباع خارجی» اصطلاحی است که مسئولان به طورمعمول برای نامیدن افغانستانی های ساکن ایران به کار می برند.
معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی استان تهران تأکید کرد که «اتباع دارای اقامت قانونی، همانند شهروندان ایرانی ساماندهی شده و خدمات حمایتی دریافت کرده‌اند و ساماندهی اتباع غیرقانونی نیز از طریق اداره کل امور اتباع یگیری و انچام شده است. «امااین که اداره کل امور اتباع در این طرح شرکت دارد، نگرانی‌ها در مورد بازگرداندن اجباری افغانستانی‌هایی که از دست حکومت طالبان به ایران گریخته‌اند را برانگیخته است.
در آبان ماه سال گذشته احسان حیدری ، مدیرکل امور اتباع استانداری تهران از شناسایی و بازگشت کودکان کار افغانستانی به همراه خانواده در سطح استان تهران خبر داد و گفت: از ابتدای شروع طرح ساماندهی کودکان کار تاکنون ۱۵۸۰ کودک کار به همراه خانواده(۹۳۰ کودک و۶۵۰خانواده) شناسایی و جهت بازگشت به کشورشان به مراجع ذیربط تحویل داده شده‌اند.
حیدری اخراج این بنام جوانان را «بازگشت کرامت‌مندانه» نامید و گفت: «این طرح تا پایان جمع‌آوری و بازگشت کودکان کار اتباع خارجی از سطح استان تهران با جدیت ادامه خواهد داشت. «در ماه‌های اخیر، دولت،رئوداخلراج‌مهاجران افغانستانی را تشدید کرده‌است. صدها نفر ازجمله کودکان ونوجوانان از خیابان‌ها جمع‌آوری و به اردوگاه‌ها منتقل می شوند.
مهاجران افغان ابتدا باید از طریق سامانه آنلاین توبت بگیرند و پس از مراجعه به مراکز تعیین شده، برای آن‌ها برگه خروج و ویزای بازگشت صادر می شود. براین اساس، مجردها ۱۵ روزه و خانواده‌ها تا سه ماه فرصت ترک ایران را دارند.

این درحالی است که ازگویی دانیل، معاون مدیرکل عملیات سازمان بین المللی مهاجرت گفته‌است:بسیاری از افرادی که به افغانستان بازمی گردند روضعت آسیب‌پذیری شدیدی قرار دارند. زیرمجموشرده‌اند خانه، دارایی‌ها ووشغل خود را رها کنند. آسیب‌پذیرترین‌ها ها به‌ویژه زنان و دختران، اغلب از خانواده‌های خود جدا شده‌اند و به سرپنا و سایر خدمات ضروری دسترسی ندارند.
به گفته اسکندر مومنی ،وزیر کشور سال ۱۴۰۳ بیش از یک میلیون و۲۰۰ هزار مهاجر افغانستانی از ایران اخراج شده‌اند. حال اینکه وضعیت اقتصادی وامنیّتی در افغانستان نگران کننده و آینده مهاجران و پناه جوانان بازگشته مبهم است.

دولت باسیاست‌های جدید، اخراج گسترده مهاجران افغانستانی را به پیش می برد. این اقدامات با مشکلات مالی مهاجران ،نقض حقوق کودکان ،ومحرومیت آن‌ها از تحصیل همراه است. به گزارش سازمان جهانی بهداشت ، درحالی که افغانستان مهاجران با چارن‌های شدید انسانی، اقتصادی و زیست‌محیطی دست‌وپنجه نرم می کند، موج جدید بازگشت اجباری افغان‌ها از کشورهای همسایه ، به‌ویژه پاکستان و ایران، بزرگ‌ترین تهدید برای سلامت بازگشت کنندگان در یک دهه اخیر توصیف شده‌است. این سازمان اعلام کرده‌است، که تنها در ماه آوریل ، بیش از ۱۰۰ هزار افغان ، عمدتاً زنان و کودکان ، از پاکستان به افغانستان بازگردانده شده‌اند؛ بسیاری از آن‌ها در شرایطی بحرانی، بدون دسترسی به سرپناه ، دارو، غذا یا مراقبت‌های روانی قرار دارند. در ایران هم براساس اطلاعات مربوط به سال ۱۴۰۳ همراه حدود ۱۰۰ هزار مهاجر افغانستانی در مرزی شون.

در طرف پاکستانی اوضاع وخیم‌تر از ایران است. گذرگاه مرزی «توخم» در شرق افغانستان به یکی از پرترافک‌ترین نقاط ورود مهاجران اخراج شده از پاکستان تبدیل شده‌است. سازمان جهانی بهداشت با همکاری نهادهای همکار خود، یک بیمارستان ۲۰ تختخوابی با خدمات زایمان ،تروما و اورژانس در این منطقه مستقر کرده و تیم‌های سیار سلامت را برای پوشش شبانه‌روزی تجهیز کرده است. تنها در ماه آوریل ، بیش از ۵۶۰۰ نفر در این نقطه مرزی، خدمات درمانی دریافت کرده‌اند و تقریباً ۵۵۰ نفر دارو رایگان گرفته‌اند. بیش از ۳۴۰ نفر نیز آموزش‌های بهداشتی دیده‌اند. به گزارش سازمان جهانی بهداشت بازگشت کنندگان با طیفی از مشکلات سلامت روبه روهستند: عفونت‌های تنفسی حاد، اسهال شدید، سوء تغذیه، بیماری‌های پوستی، زحمت‌ها و مشکلات روانی. سازمان جهانی بهداشت هشدار داده است که بدون کمک‌های مالی فوری ، این خدمات حیاتی ممکن است منقطع شود؛ چیزی که عواقب جرحه‌باری برای بازگشت کنندگان و مناطق پذیرنده خواهد داشت.

دکتر جمشید تاولی، مسئول فوریت‌های سلامت سازمان جهانی بهداشت در افغانستان می‌گوید: ما با منابع محدود تلاش می‌کنیم سلامت کودکان وزنان را حفظ کنیم. اما برای تأمین دارو، کت‌های جراحی و لوازم، وابستگی به شیوع بیماری‌ها به کمک فوری نیاز داریم. درحالی که نگاه‌ها به پاکستان دوخته شده، نباید فراموش کرد که ایران نیز طی ماه‌های گذشته هزاران مهاجر افغان را از خزانه‌ای شرقی خود اخراج کرده است. در شرایطی که افغانستان از سیاحت منابع انسانی، اقتصادی و نهادی برای جذب این موج جدید آماده نیست، این اوضاع تهدید جدی‌تری است که به گزارش سازمان جهانی بهداشت یک تانک برای بحران انسانی تمام‌عیار را رقم بزند. سازمان جهانی بهداشت و نهادهای بین المللی از جامعه جهانی درخواست کرده‌اند که از سلامت و حقوق اولیه بازگشت کنندگان حمایت کنند. اما در فضای دیپلماتیک، که مهاجران بیش از هر زمان به موضوعی امنیتی بدل شده‌اند، امید به پاسخ انسانی و مؤثر، روبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود.

## میز خبر

**رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی:**

## رهنمودهای رهبری هشداری دقیق نسبت به آینده آموزش و پرورش است

رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی در یادداشت بنیات رهبر معظم انقلاب در دیدار با فرهنگیان گفت: دیدار اخیر مقام معظم رهبری با معلمان کشورنوی توان صرفایک سنت سالانه یا دیدوبازدید میماند؛تلفیق کرد آنچه در این نشست بیان شد، مجموعه‌ای از رهنمودهای راهبردی، تحلیل‌های بنیادین و هشدارهای دقیق نسبت به آینده آموزش و پرورش بود. به گزارش ایسنا، سالار قاسمی در یادداشتی که به عنوان «هم‌گرایی برای تحول؛ فرصت تاریخی برای آموزش و پرورش ایران» در این خصوص نوشته، آورده‌است: دیدار اخیر مقام معظم رهبری با معلمان کشور را نمی‌توان صرفایک سنت سالانه یا دیدوبازدید میمانه تلفیق کرد. آنچه در این نشست بیان شد، مجموعه‌ای از رهنمودهای راهبردی، تحلیل‌های بنیادین و هشدارهای دقیق نسبت به آینده آموزش و پرورش بود. بی‌تردید این دیدار را در شرایط کنونی و نگاه ویژه‌ای که دولت و شخص رئیس‌جمهور به آموزش و پرورش دارند باید نقطه عطفی در مسیر تحول افربی نظام تعلیم و تربیت ایران دانست؛ سندی زنده و معتبر که شایسته‌است در صدر اسناد بالادستی آموزش و پرورش کشور قرار گیرد.

رهبر انقلاب با نگاهی جامع، به مسائلی اساسی چون جایگاه معلم، ساختار آموزش و پرورش، دانشگاه فرهنگیان، عدالت آموزشی، محتوای درسی، آموزش فنی و حرفه‌ای، نخه پیروزی و آیندسازی اشاره فرمودند؛ مسائلی که هر یک، خود نیازمند سیاست‌گذاری ملی و اقدام عاجل است، و در مجموعه، چارچوبی روشن برای تحول حقیقی در آموزش کشور ترسیم می‌کند. وی در ادامه رهنموده‌است: نکته برجسته و تعیین‌کننده در بنیات ایشان، تأکید بر این حقیقت بود که تربیت علمی و اخلاقی نسل نو، نه تنها وظیفه بلکه حق مسلم دولت است و نباید هیچ‌بخش از این مسئولیت خطیر به بیرون سپرده شود. این هشدار، پاسخی دقیق به روند‌های خطرناک خصوصی‌سازی آموزش است که می‌تواند موجب نابرابری، تضعیف هویت ملی و آسیب‌های فرهنگی گسترده شود. از سوی دیگر، وقتی رهبری با صراحت می‌فرماید که معلم باید در نگاه جامعه، شخصیتی جذاب، فعال و افتخارآمیز باشد تا شغل معلمی در صدر انتخاب‌های جوانان قرار گیرد، در واقع خواست قلبی میلیون‌ها معلم دلسو در غوغای مدرن ایران را آورده‌اند؛ مطالبه‌ای که با تغییر سیاست‌های اقتصادی و رسانه‌ای و فرهنگی در رابطه با معلم محقق خواهد شد. مطالعات جهانی نیز این مهم را تأیید می‌کنند. برای نمونه، گزارش یونسکو نشان می‌دهد که دسترسی به معلمان توانمند در مناطق محروم، ۲۰ تا درصد از چرخه فقر را کاهش می‌دهد. با داده‌های پژوهشی حاکی از آن است که دانش‌آموزان تحت آموزش معلمان حرفه‌ای، ۴۰ درصد کمتر در معرض بهرکاری قرار می‌گیرند. این آمارها نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در آموزش، به معنای واقعی کلمه، سرمایه‌گذاری برای آینده کشور است؛ وی همچنین نوشته‌است: در کنار این رویکرد راهبردی، باید به مهم‌افزایی شکل گرفته میان سه‌سطح مهم آموزش؛ کرد: رهبر انقلاب، دولت و جامعه فرهنگیان، وقتی رهبر معظم انقلاب از اهتمام رئیس‌جمهور به راه آموزش و پرورش صمیمانه تقدیر می‌کنند و وزیر آموزش و پرورش را مدبر و برحسته می‌دانند، باید این فضای همگرای را به فرصت تبدیل کرد. در این حال، نمی‌توان از این واقعیت غافل شد که، بدون اصلاح ساختار، تمرکززدایی و توجه به جایگاه واقعی معلم، نمی‌توان مشکلات را به حل کرد.

اکنون زمان آن فرا رسیده که دولت و مجلس، با بهره‌گیری از این فضای حمایت‌راهبردی، گام‌های اساسی در مسیر پیمایند. بازنگری در نظام تربیت معلم، افزایش سهم آموزش و پرورش در بودجه عمومی، توسعه مدل‌های نوآموزی، پیوند مدرسه با صنعت واجتماع، و باطرارحی محتوای آموزشی براساس هویت ملی و نیازهای آینده محور.

کلام پایانی آنکه باید آموزش و پرورش را از حاشیه تصمیم‌سازی‌ها به متن راهبردی کشور بازگرداند. زیرا در همه

جوامع توسعه‌یافته، مدرسه نقطه آغاز تمدن‌سازی است، معلم، نخستین معمار جامعه آینده، امروزیش از همه جایگاه و منزلت بیشتری دارد. دیدار رهبر نیاز داریم. دیدار رهبر نیاز داریم، معارف را یونانی

نبود، بلکه صدای بیدارباشی برای ساختن آینده عادلانه، دانا و با هویت برای ایران است.

## اجتماعی

فرهنگ تجمل ونمایش یکی از عوامل افزایش هزینه‌های فرزندآوری است

# ضرورت رفع چالش‌های فرزندآوری



### گروه اجتماعی ادامه از صفحه اول

فرزندان ، بسیاری از مهارت‌هایی را که در زندگی لازم دارند، در تعامل با یکدیگر می‌آموزند.»

همانطور که در طبیعت، سایر مخلوقات با نااملا می‌تواند موانعی مواجه‌اند. فرزندان ما نیز باید نااملا می‌تواند را تجربه کنند، قرار نیست در پی‌رو، به‌همراه بهترین امکانات و تشریفات بزرگ شوند. اتفاقاً باید با این موضوع ساده برخورد کرد و ضمن توجه به نیازهای اساسی فرزند، از تشریفات ضروری‌تری بهره‌ر کرد. با این حال متأسفانه همه چیز با گذشته فرق کرده و همین تفاوت، مسیر فرزندآوری را دشوار کرده است. اغلب خانواده‌ها تمایل دارند فرزندان‌شان در بهترین امکانات بزرگ شوند، ترجیح می‌دهند فرزندان کمتری داشته باشند تا بتوانند آن‌ها را از بهترین امکانات برخوردار کنند. در قدیم مادر فرزند خود را ۹ ماه به‌دل می‌کشید و یک عمر به دندان و همه‌چیزه‌ها هر طبقه و قشری یک جور بزرگ می‌شدند اما امروز اوضاع تغییر کرده است. در برخی خانواده‌ها از زمانی که خبر بچه‌دار شدن می‌رسد تا هنگام تولد، نوزاد، هزینه‌های گزافی صرف می‌شود؛ هزینه‌هایی که اغلب غیر ضروری است و بدون آن‌ها نیز مادر و کودک سالم هستند.

### اتفاقا در سالیان اخیر هزینه‌های اضافی بارداری نیز خیر ساز شده!

همین طو ر است. اگر تائیش از این مادران باردار و خانواده‌هایشان تنها باید در فکر خرج‌مخرج بیمارستان می‌بودند، حالا مراسم‌های دست‌پاگیمو تعدادی همچون جشن تعیین جنسیت جنین، جشن صدای قلب، جشن نمایش سیمسونی و تزئین اتاق زایمان وغیره هم به آن اضافه شده است. طبیعتاً گروه‌های ثروتمند جامعه برای برگزاری چنین مراسم‌هایی مشکل ندارند؛ اما برای آن‌گونه مردمی که از طریق شبکه‌های اجتماعی به نمایش عمومی‌آید طبقاتتضعیف‌تر امکان فرزندآوری بیشتر را نخواهد داشت. این موضوع منجر به طرح‌های بیشتر برای تسکین فرزند و کم‌فرزند می‌شود. چرا که عدم معدودی نمایش تجمل دارند و مایه‌ی افراد نگرانی مضاعفی می‌گیرند که ما حتی قادر به جشن معمول برای به دنیا آمدن فرزند خود نیستیم و همین باعث کاهش وعدم تمایل به فرزندآوری می‌شود. در حالی که نمایش تجمل نباید رویه‌ی باشد، چرا که احساس دوار دسترس بودن در زندگی کالبدی میل به فرزندآوری را کاهش می‌دهد.

همان‌گونه که در دهه‌های قبل تبلیغات منفی علیه فرزندآوری بود، امروز باید تبلیغات وشویه‌هایی در پیش گرفت که مردم حسن کنند. درزند برای آن‌ها هزینه نخواهد بود. ریشه ماجرا نگرانی از آینده است. در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها هزینه‌ی برای فرزندآوری تحت‌الشعاع اقتصاد کار می‌گیرد، چرا که زوجین افق بلندمدت‌تری ندارند؛ بنابراین فکرمجمعات و پیشرفت بیشتر هستند. همچنین افزایش تورم باعث می‌شود که امید به آینده کاهش یابد و کنودتنگانه‌های اقتصادی، خانواده‌ها را متحمل را هم درگیر کرده است. در نتیجه افراد خود را در معرض خطر می‌بینند.

### مطابق دیدگاه روانشناسی، نخست

**باید نیازهای زیستی فرد در شرایطی باشد که احساس امنیت و آرامش داشته باشد تا بخواهد به سمت فرزندآوری برود. تا زمانی که افراد دیگر خواسته‌ها و نیازهای اولیه خود نهنند تصمیم‌گیری برای آیناها یا بالاتر که فرزندآوری نیز جزئی از آن است به تعویق می‌افتد، دیدگاه شمار در این باره چیست ؟**

ببینید هرم مارلو و تأمین نیازهای اولیه انسان‌ها، تنها یکی از نظریه‌های روانشناسی است که درحالی‌کده‌ها نظریه

به سمت سالخوردگی می‌رود و اگر نگرش‌های فرهنگی اجتماعی نسبت به فرزند تغییر پیدا نکند، آسیب‌های زیادی به خانواده وارد می‌شود. ازجمله اقداماتی که برخی کشورها رسیاست‌های جدیدی انجام دادند. این بود که برخی جامعه ایرانی طی سال‌های اخیر، تولد یک انسان صرفاً به مثابه هزینه‌ای برای خانواده و جامعه تلقی شده و معمول این مهم را می‌توان در کاهش رشد جمعیت و بعد خانواده جست وجو کرد. البته باید

ابتدائیات فرزندآوری برای افراد فراهم باشد و این مسئله غیر قابل انکار است. به عنوان مثال برای خانواده‌ای کم‌نی‌تواند صاحب فرزند شود، نقش بیمه نابوری بسیار مهم است. چون هزینه درمان آن بسیار سرسام‌آور است. از طرف دیگر باید

در نظر داشت که کاهش باروری بخشی به مسائل پزشکی برمی‌گردد و سیاست، خوراک و آلودگی هوا، مسئله محیط‌زیستی تک فرزند و کم فرزند خواهد شد.

چرا که عدم معدودی نمایش تجمل دارند و مایه‌ی افراد نگرانی مضاعفی می‌گیرند که ما حتی قادر به جشن معمول برای به دنیا آمدن فرزند خود نیستیم و همین باعث کاهش یابد و کنودتنگانه‌های اقتصادی، خانواده‌ها را متحمل را هم درگیر کرده است. در نتیجه افراد خود را در معرض خطر می‌بینند.

همان‌گونه که در دهه‌های قبل تبلیغات منفی علیه فرزندآوری بود، امروز باید تبلیغات وشویه‌هایی در پیش گرفت که مردم حسن کنند. درزند برای آن‌ها هزینه نخواهد بود. ریشه ماجرا نگرانی از آینده است. در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها هزینه‌ی برای فرزندآوری تحت‌الشعاع اقتصاد کار می‌گیرد، چرا که زوجین افق بلندمدت‌تری ندارند؛ بنابراین فکرمجمعات و پیشرفت بیشتر هستند. همچنین افزایش تورم باعث می‌شود که امید به آینده کاهش یابد و کنودتنگانه‌های اقتصادی، خانواده‌ها را متحمل را هم درگیر کرده است. در نتیجه افراد خود را در معرض خطر می‌بینند.

همان‌گونه که در دهه‌های قبل تبلیغات منفی علیه فرزندآوری بود، امروز باید تبلیغات وشویه‌هایی در پیش گرفت که مردم حسن کنند. درزند برای آن‌ها هزینه نخواهد بود. ریشه ماجرا نگرانی از آینده است. در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها هزینه‌ی برای فرزندآوری تحت‌الشعاع اقتصاد کار می‌گیرد، چرا که زوجین افق بلندمدت‌تری ندارند؛ بنابراین فکرمجمعات و پیشرفت بیشتر هستند. همچنین افزایش تورم باعث می‌شود که امید به آینده کاهش یابد و کنودتنگانه‌های اقتصادی، خانواده‌ها را متحمل را هم درگیر کرده است. در نتیجه افراد خود را در معرض خطر می‌بینند.

همان‌گونه که در دهه‌های قبل تبلیغات منفی علیه فرزندآوری بود، امروز باید تبلیغات وشویه‌هایی در پیش گرفت که مردم حسن کنند. درزند برای آن‌ها هزینه نخواهد بود. ریشه ماجرا نگرانی از آینده است. در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها هزینه‌ی برای فرزندآوری تحت‌الشعاع اقتصاد کار می‌گیرد، چرا که زوجین افق بلندمدت‌تری ندارند؛ بنابراین فکرمجمعات و پیشرفت بیشتر هستند. همچنین افزایش تورم باعث می‌شود که امید به آینده کاهش یابد و کنودتنگانه‌های اقتصادی، خانواده‌ها را متحمل را هم درگیر کرده است. در نتیجه افراد خود را در معرض خطر می‌بینند.

فرهنگ تجمل ونمایش یکی از عوامل افزایش هزینه‌های فرزندآوری است

نکرده‌ایم. انگاره‌های ذهنی جامعه‌با ترس از ازدواج و فرزندآوری گره خورده و این در حالی است که والدینی که صاحب فرزند می‌شوند از زوجهین بدون فرزند به مراتب شخصیت قوی‌تری دارند و یک تربیت درونی جدی در آن‌ها اتفاق می‌افتد و از مفاهیم فردگرایانه فاصله می‌گیرند. این اتفاق‌ها را وجود فرزند رقم می‌زند. مطابق نظرگاه دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت که پیش‌تر در «رسانه‌ها» منعکس شده، «فرزند باعث تثبیت تحکیم بنیاد خانواده می‌شود. نرخ باروری بانرخ طلاق رابطه عکس دارد یعنی هر چه تعداد فرزندان خانواده بیشتر می‌شود ریسک طلاق کاهش پیدا می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد، در بیش از ۸۰ درصد موارد تعداد بیشتر فرزندان موجب کاهش ریسک طلاق عاطفی می‌شود.» متأسفانه این موارد برای مردم ما تبیین نشده و به این ترتیب نتوانستیم در حوزه جمعیت به‌اهداف مورد نظر دست‌یابیم. ماهداف گذاری کردیم که رشد جمعیت رابه بالای ۲/۱ یعنی نرخ جانشینی برسانیم و هنوز به این عدد نرسیده‌ایم. این موضوع اثبات می‌کند که سیاست‌ها دقیق نبوده و نتوانسته گلوگاه‌های مهم را هدف بگیرد. اگر این نقاط ضعف پوشش داده شود، اتفاقات بهتری رخ می‌دهد. اگر چه از سیاست‌های جمعیتی به‌ویژه قانون جوانی جمعیت، اثربخشی و موفقیت صددرصدی را انتظار داریم، ولی چنین انتظاری منطقی و معقول نیست. در مواجه با مسائل سخت و پیچیده‌ای نظیر جمعیت، سبک زندگی و مسائل فرهنگی؛ به آزمون و خطا و اجرای یکسری برنامه‌ها و سیاست‌ها نیاز داریم. برای تغییر نگرش جامعه باید جالش‌ها و چالش‌های فرهنگی اقتصادی را هم در نظر گرفت. این موضوع مانع از شکل‌گیری اقدامات درست فرهنگی می‌شود، از طرفی نباید انتظار داشت قانون جوانی جمعیت یک کار بسیار بزرگی انجام داده، و بتواند هدف گذاری دقیقی انجام دهد و تمامی مشکلات را یک شبه حل کند. برای هیچ قانونی در هیچ کجای جهان، چنین گزارشی مخابر نشده، منتها راجع به نقص‌های خود قانون جوانی جمعیت، صحبت‌های زیادی مطرح است.

به عنوان مثال جامعه هدف قانون جوانی جمعیت، افراد متأهل و کسانی هستند که فرزندان دارند. در واقع این قانون سیاست‌هایش را برای این گروه تدوین کرده و عدم ورود به موضوع تشکیل خانواده و با کاهش سن ازدواج یکی از نقاط ضعف آن است. ولی اینکه بگوییم قانون جوانی جمعیت به کلی ناموفق بوده، درست نیست. این قانون توانسته جلوی نرخ کاهش مولید را بگیرد و در یکسری موارد خیلی خوب اجرا شده و تمامی دستگاه‌ها به‌صورت هماهنگ به تکلیف خود عمل کرده و در بهبود شاخص‌ها نقش اثرگذار داشته‌اند. اما در وضعیت اخیر این موضوع رها شده و با قطع وام‌ها و تسهیلات، مسئله فرزندآوری و نابابوری به‌صورت جدی فراتر می‌رود. این معکوس دارد. این تعریف سال‌ها در رسانه مطرح شده که کیفیت زندگی یعنی زوجین در منازلی شیک و با بهترین موقعیت امکانات زندگی کنند. در حالی که آن‌ها به لحاظ ظاهری ومادی برخوردار هستند. اما کیفیت زندگی آن‌ها و فرزندان آن‌ها بیشتر و بهتر نیست و نیاز است این مسئله مورد تعریف و بازتعریف قرار بگیرد.

### ان‌طور که از اظهارات شما مشخص

### است. قانون جوانی جمعیت نتوانسته

### در افزایش مولید، مؤثر باشد.

ببینید ما در بُعد فرهنگی قوی عمل

## سهم پرستاران از ۲۷ هزار استخدامی وزارت بهداشت؛ کافی نیست!

### رئیس کل سازمان نظام پرستاری، با اشاره به برگزاری آزمون

استخدامی وزارت بهداشت، به سهم پرستاران از ۲۷ هزار

نیروی انسانی جدید که قرار است جذب شوند، اشاره کرد. احمد نجاتیان، اظهار کرد: بر اساس آنچه در مجوز استخدامی وزارت بهداشت آمده است، حدود ۱۱ هزار و ۵۰۰ نفر از ۲۷ هزار نفر نیروی انسانی که قرار است جذب وزارت بهداشت شوند، سهم پرستاری است.

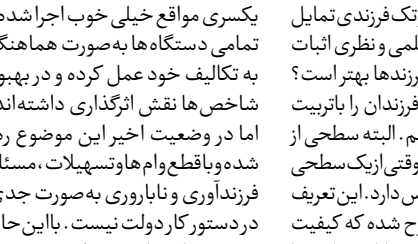
وی افزود: در ۱۱ هزار و ۵۰۰ نفر شامل پرستار، اتاق عمل و هوشبری

است. نجاتیان در عین حال از امکان ثبت نیروهای پرستاری در سهمیه فوریت‌های پزشکی خبر داد و گفت: حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر سهمیه فوریت‌های پزشکی از مجوز استخدامی است که پرستاران نیز می‌توانند در این بخش شرکت کنند و جذب کار شوند. وی ادامه داد: ۱۱ هزار و ۵۰۰ نفر سهمیه پرستاری، در بیمارستان‌ها مشغول خدمت خواهند شد و نیروهای فوریتی در اورژانس پیش بیمارستانی فعالیت خواهند داشت.

رئیس کل سازمان نظام پرستاری در پاسخ به این سؤال که ۱۱ هزار و ۵۰۰ نفر مجوز استخدام پرستاری برای رفع کمبود نیروی پرستاری کافی است، گفت: خبر این تعداد جذب نیرو حاکم‌الکراهی خروجی

رواجانین نیروی پرستاری از مجوز سانی است که نتوانمندی‌های

نجاتیان توضیح داد: هر سال ۵۰۰ نفر از نیروهای پرستاری به دلایل



مختلف اعم از بازنگشتگی و... از این حرفه خارج می‌شوند که این تعداد نیروی جدید، حاکم‌الکراهی دو سال نیروی پرستاری از بالین، کافی است. وی با اعلام اینکه در چند سال گذشته کمتر از ۱۰ هزار نیروی پرستاری جذب شده‌اند، ادامه داد: نیاز ما، سالانه حداقل ۱۰ هزار نیروی پرستاری است که متأسفانه در این سال‌ها کمتر توانسته‌ایم این تعداد نیروی پرستاری را جذب کنیم.

نجاتیان با عنوان این مطلب که ۱۱ هزار و ۵۰۰ نفر نیروی پرستاری

قرار بود مرداد ۱۴۰۳ جذب شوند، افزود: متأسفانه موضوع استخدام

نیروهای جدید در وزارت بهداشت به تاخیر افتاده و همین تعداد هم

احتمالاً تا پایان سال، کار جذب آن‌ها ادامه خواهد داشت و عملاً؛

نیروهای جدید از سال آینده مشغول خدمت خواهند شد.